

پایگاه اجتماعی موسیقی در بغداد قرون دوم و سوم هجری

حلیمه جعفرپور نصیر محله^۱

سید احمد رضا خضری^۲

چکیده: موسیقی در بغداد عصر عباسی به‌عنوان یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی مردم و ابزار برای سرگرمی مورد توجه گروه‌های مختلف اجتماعی قرار داشت. خواص که از جایگاه اجتماعی مهم‌تری برخوردار بودند، با استخدام موسیقی‌دانان در خانه‌ها و کاخ‌های خود و حمایت از آنان در پیشرفت موسیقی نقش مؤثری ایفا می‌کردند. در این طبقه به‌کارگیری موسیقی‌دانان و کنیزان خواننده و نوازنده بیانگر تشخیص، اقتدار، و پایگاه اجتماعی آنان بود. در میان عامه نیز موسیقی، هنری شناخته شده بود و اقشار مختلف مردم همچون بزازان و حجامت‌گران با موسیقی آشنایی داشتند. با این حال، از آنجا که به لحاظ شرعی، روایاتی چند پرداختن به موسیقی را از محرمات دانسته است، وجهه اجتماعی این هنر در جامعه اسلامی بغداد چندان ارزشمند نبود. پژوهش حاضر کوشیده است پایگاه اجتماعی موسیقی و موسیقی‌دانان را در جامعه بغداد قرون دوم و سوم بررسی نماید. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و پژوهش با استفاده از منابع و مأخذ موجود سامان یافته است.

واژه‌های کلیدی: موسیقی، پایگاه اجتماعی، بغداد، خلفای عباسی، مغنیان

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) jafarpoor.h@gmail.com
۲ استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران akhezri@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۵
تاریخ تأیید: ۹۷/۰۴/۲۴

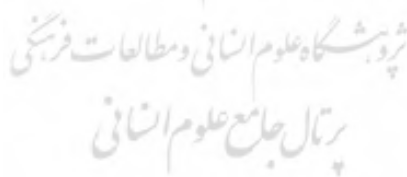
Social Status of Music in Baghdad during the Second and Third Centuries AH

Halime Jafarpoor Nasirmahaleh¹

Seyyed Ahmadreza Khezri²

Abstract: During the Abbasid era in Baghdad, music was considered as one of the components of people's life and was paid attention to by different social classes as a means of entertainment. The elites who had higher social position played an effective role in developing music by recruiting the musicians in their houses and supporting them. In those social casts, employing the musicians and women singers was a manifestation of their power and the importance of their social position. As a result, some officials were known musicians themselves. Moreover, music was well-known among the public. Various communities of society like the tailors and cupping therapists were familiar with music. However, according to religion and some traditions dealing with music is forbidden, so this art was not much appreciated in Baghdad. The presented research is studying the status of the art of music among different social casts in Baghdad. The research method is descriptive-analytic and it is organized based on existing resources and references.

Keywords: Music, Baghdad, social casts, musician



1 PhD Student of the Islamic Civilization & History , Tehran University (corresponding author), jafarpoor.h@gmail.com

2 Professor of Islamic History, Tehran University akhezri@ut.ac.ir

مقدمه

تاریخ زندگی انسان همواره با شعر و موسیقی و تأثیر سحرانگیز آن عجین بوده و انسان در طی قرون و اعصار، افکار، عقاید و احساسات خود را به وسیله موسیقی بیان داشته است. چنانکه مردم در تولد و مرگ، عزا و عروسی، جشن و شادی و... موسیقی را به کار گرفته‌اند. با پیشرفت جوامع، موسیقی، جایگاه مهم‌تری در دیگر فعالیت‌های اجتماعی انسان پیدا کرد. از جمله:

- در زندگی مذهبی انسان‌ها، موسیقی در مراسم آیینی، به‌ویژه در بین صوفیه حضوری پررنگ داشت.
- در طول حیات انسان از تولد تا مرگ در مراسم مختلفی که برای آدمی برگزار می‌شد، موسیقی حضور داشت.
- در زندگی شغلی، موسیقی، کارگران را به هنگام کار، قصه‌گویان را به هنگام بیان حکایت، صیادان را به وقت شکار و روان‌پزشکان را به هنگام روان‌درمانی همراهی می‌کرد.
- در عرصه سیاسی موسیقی بهترین وسیله برای جمع شدن مردم، گرد یک تفکر یا یک شخص بود.
- موسیقی بهترین همراه برای طالبان علوم و فنون بود؛ چنان‌که قوانین علوم و ادبیات به نظم در می‌آمد و آماده آهنگ و نغمه‌پردازی می‌شد.^۱
- افزون بر این، شعر و موسیقی در ایام تولد کودک، جشن ختنه سوران، بازگشت مسافر، جشن عروسی، جشن وضع حمل، جشن نزول باران، کاشت و برداشت محصول، کشیدن آب از چشمه و سرود پیروزی انسان‌ها را همراهی می‌کرد.
- تا پیش از قرن دوم هجری به دلیل درگیری اذهان مردم به جنگ و گذران دشوار زندگی جایی برای پرداختن به موضوع هنر و موسیقی باقی نمی‌ماند. تا اینکه عباسیان در سال ۱۳۲ق. به حکومت رسیدند و بغداد را مرکز خلافت خود قرار دادند. این شهر، از عصر منصور (حکومت ۱۳۶-۱۵۸ق.) مرکز خلافت اسلامی گردید،^۲ و علم، هنر، ادبیات و به‌طور کلی

۱ صالح المهدی (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «سنت موسیقی عرب»، ترجمه فریبا سلامت نیا، تهران: آئینه میراث، ش ۳۶ و ۳۷، صص ۲۲۷-۲۲۸.

۲ ابن عبدالله یاقوت حموی (۱۹۹۵ م)، معجم البلدان، ج ۱، بیروت: دارالصادر، ص ۴۵۹؛ علی بن حسین مسعودی (۱۴۰۹ ق)، مروج الذهب و المعادن الجوهرة، تحقیق اسعد الداغر، قم: دارالهجره، ص ۳۱۲.

تمدن اسلامی در این شهر به پیشرفت‌های زیادی دست یافت و دوره اول حکومت عباسیان، عصر طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی گردید.^۱ آن چنان که این عصر، عصر طلایی موسیقی کلاسیک عربی نیز شناخته می‌شود.^۲

پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا نگرش جامعه بغداد را به موسیقی در قرون دوم و سوم هجری مورد کاوش قرار دهد و به این پرسش‌ها پاسخ گوید که موسیقی در جامعه بغداد آن روزگار چه جایگاهی داشته و نگاه طبقات مختلف مردم به این هنر چگونه بوده است؟ پایگاه اجتماعی موسیقی‌دانان این عصر چگونه و درجه اعتبار و ارزش موسیقی چه میزان بوده است؟

بغداد جلوه گاه موسیقی عصر عباسی

تقریباً همه منابع درباره چگونگی بنای بغداد اتفاق نظر دارند و بر اهمیت و عظمت این شهر به ویژه در قرون نخستین بنای آن، به عنوان یکی از مراکز مهم سیاسی، بازرگانی و فرهنگی تأکید کرده‌اند.^۳ در حقیقت، بغداد به عنوان پایتخت جهان اسلام و مرکز فرهنگ و تمدن اسلامی شهری آباد و پر رونق تلقی می‌شد که آمیزه‌ای از عناصر، ملیت‌ها، نژادها، رنگ‌ها، مذاهب و زبان‌ها در آن می‌زیستند.^۴ به گفته تاریخ‌الفرخی، در عصر عباسی بازار علوم متداول، خیرات فراوان، جهان آباد و مرزها استوار بود.^۵ از این نوشته‌ها پیداست که تمدن اسلامی در این دوره، سال‌های طلایی و پربار خود را می‌گذرانده است. عباسیان با درآمدهای کلانی که از امور مختلف به دست می‌آوردند، دولتی ثروتمند تشکیل داده بودند و چون پیشرفت فرهنگی، وابسته به عوامل سیاسی و اقتصادی است و به پشتوانه توسعه اقتصادی، هنر نیز رشد می‌کند، در این دوره موسیقی نیز به عالی‌ترین درجه کمال خود رسید.^۶ در بغداد عصر عباسی، مردم به دو طبقه اصلی تقسیم می‌شدند: خاصه و عامه که هر یک از این دو طبقه نیز دسته‌های کوچک‌تری را در برمی‌گرفتند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱ شوقی ضیف ابی‌تال، العصر العباسی الاول، قاهره: دارالمعارف، ص ۱۱.

2 Jean Kins and Paul Rovsing Olson (1976), *Music and musical of instrument in the world of Islam*, Horniman Museum London World of Islam Festival Publishing Company Ltd., p 8.

۳ شیرین بیانی (۱۳۷۷)، تیسفون و بغداد در گذر تاریخ، تهران: انتشارات جامی، ص ۱۵.

۴ محمد کاظم مکی (۱۳۸۳)، تمدن اسلامی در عصر عباسی، ترجمه محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت، صص ۵۹ و ۶۳.

۵ محمد بن علی بن طباطباین طحطاقی (۱۹۹۷ م)، الفخری فی آداب السلطانیة ودول الاسلامیة، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دارالقلم العربیة، ص ۱۴۷.

۶ ابن خلدون (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۸۵۴.

طبقه خاصه

طبقه خاصه خود به چهار دسته تقسیم می‌شد: خلیفه، خاندان خلیفه، رجال دولتی و وابستگان طبقه خاصه. خلیفه دارای قدرت سیاسی و مذهبی بود و مردم در اطاعت او بودند. خلفای این دوره از ابوالعباس (۱۳۲-۱۳۶ق.) تا مستکفی (۳۳۳-۳۳۴ق.) همه از علاقه‌مندان موسیقی بودند و با گردآوردن موسیقی‌دانان در کاخ‌های خود و اعطای انعام به آنان از این هنر حمایت می‌کردند. در این دوره بجز منصور (۱۳۶-۱۵۸ق.) و مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق.) که به دلایل مختلف از ساز و آواز پرهیز داشتند، بقیه خلفا موسیقی را به‌عنوان ابزار تفنن در خدمت خود داشتند و آن را برای شکوهمند ساختن دربار به کار می‌گرفتند.

خاندان خلیفه

پس از خلفا، فرزندانشان و خاندان عباسی قرار داشتند که از بالاترین طبقات جامعه به‌شمار می‌رفتند و از دولت مقرری دریافت می‌کردند. این گروه با برخورداری از مزایا و اموال دولتی به خوشگذرانی می‌پرداختند و با ساخت کاخ‌های مجلل زمینه حضور موسیقی‌دانان و ادیبان را در این محافل فراهم می‌نمودند. از جمله افراد ثروتمند خاندان عباسی، محمد بن سلیمان بن علی است که علاوه بر املاک و کاخ‌ها، ۲۵ میلیون درهم نقدینه داشت و درآمد روزانه‌اش صد هزار درهم بود.^۱ وی فردی هنرپرور محسوب می‌شد که ابراهیم موصلی او را در جوانمردی و طرب‌دوستی در بین هاشمیان ممتاز می‌دانست.^۲ همچنین از داستان‌های مختلفی که در *الآغانی* آمده برمی‌آید که دیگر فرزندان سلیمان بن علی، یعنی علی و جعفر هم اهل موسیقی بوده‌اند و جوایز فراوان به موسیقی‌دانان می‌بخشیده‌اند که این بخش‌ها، موجب شگفتی منصور، خلیفه عباسی می‌گردید.^۳ حکم الوادی یکی از مشهورترین مغنیان اوایل عصر عباسی است که در زمان خلافت منصور به خدمت محمد پسر ابوالعباس سفاح درآمد. به گفته ابوالفرج، محمد غنای او را بسیار دوست می‌داشت و وی را بر سایر مغنیان مقدم می‌دانست و آوازه‌ایش را می‌پسندید.^۴ همچنین بسیاری از فرزندان خلفا با

۱ جرجی زیدان (۱۳۸۶)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۸۸۲-۸۸۳.

۲ علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی (۱۹۶۳ م)، *الآغانی*، ج ۵، قاهره: دارالکتب، ص ۱۶۰.

۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۶، ص ۲۸۲.

۴ همان، ج ۶، ص ۲۸۳.

موسیقی‌آشنایی داشتند. یکی از مشهورترین آنها ابراهیم‌بن‌مهدی (۱۶۲-۲۲۴ق.) معروف به ابن شکله است که مادرش شکله، تباری ایرانی داشت. او در زمان خلافت برادرش هارون الرشید حاکم دمشق بود.^۱ اسحاق موصلی درباره او گفته است: «از نسل عباس‌بن‌عبدالمطلب، بعد از عبدالله‌بن‌عباس مردی با فضیلت‌تر از ابراهیم‌بن‌مهدی برنخاست که در موسیقی نیز به درجه کمال رسیده باشد».^۲

موسیقی‌دان دیگر از خاندان عباسی، علّیه یا عبّاسه (۱۶۰-۲۱۰ق.) دختر مهدی عباسی بود. او را بانویی ادیب و نوازنده توصیف کرده‌اند که در بغداد متولد شد و همان‌جا نیز درگذشت. او شعرهای نیکو می‌سرود و بر آنها آهنگ می‌ساخت.^۳ به اعتقاد مردم آن دوره، از ابراهیم‌بن‌مهدی و خواهرش علّیه خوش‌آوازتر در آن عصر و پیش از آن وجود نداشته است.^۴ علاوه بر این، ابو‌عیسی فرزند هارون الرشید، عبدالله‌بن‌هادی، عبدالله‌بن‌امین^۵ و عبدالله‌بن‌معتز^۶ از خلیفه‌زادگانی بودند که به‌خوبی با موسیقی‌آشنایی داشتند.

رجال دولتی

در این دوره بیشتر رجال دولتی از حامیان هنر بودند و برمکیان (خالد، یحیی، فضل، جعفر، محمد و موسی) نمونه بارز آنها هستند که در سال ۱۸۷ق. به دلیل خشم هارون از کار برکنار شدند و تعدادی نیز به زندان افتادند.^۷ اما برمکیان در کنار فعالیت‌های سیاسی حامیان جدی علم، هنر و ادبیات بودند. مثلاً یحیی‌بن‌خالد وزیر کاردان عباسیان، دوستدار موسیقی بود و درباره این هنر می‌گفت: «موسیقی آن است که انسان را به طرب آورد؛ برقصاند و بگریاند و متأثر کند؛ و جز آن هر چه باشد، رنج و بلاست».^۸ درباره بخشش‌های وی به موسیقی‌دانان

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۶، ص ۹۵.

۲ همان، ج ۶، ص ۹۵.

۳ همان، ج ۱۰، ص ۱۶۲.

۴ همان، ج ۱۰، ص ۹۶.

۵ همان، ج ۱۰، ص ۱۸۷.

۶ همان، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

۷ همان، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

۸ همان، ج ۱۰، ص ۲۷۴.

۹ مسعودی، همان، ج ۳، ص ۳۷۸؛ محمدبن‌جریرطبری (۱۳۷۸ق.)، تاریخ‌الامم‌والملوک، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۸، بیروت: دارالتراث، ص ۲۵۹.

۱۰ مسعودی، همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

در *الآغانی* بسیار سخن گفته شده است. از جمله داستانی که از قول مخارق مغنی آن عصر بیان شده و بر اساس آن، وقتی او برای خواندن آواز و تعلیم آن به کنیز یحیی در منزل وی حاضر شد، آن وزیر، ده هزار درهم به مخارق و صد هزار درهم به استادش ابراهیم موصلی بخشید.^۱ اما فضل بن یحیی (۱۴۸-۱۹۳ق.) والی خراسان، طبرستان و ارمنستان، فردی هنرپرور و سخاوتمند بود که حکایات گوناگون او را چهره‌ای ادیب و موسیقی‌شناس توصیف کرده است. چنانکه بر درگاه او چهار هزار ادیب و شاعر حاضر بودند.^۲ مشهورترین ویژگی فضل، جود و بخشندگی اوست که وی را حتی در میان خانواده‌های معروف به سخاوت نیز ممتاز کرده است. موسیقی‌دانان آن عصر نیز از این جود بی‌بهره نمی‌ماندند، چرا که فضل دلبسته سماع بود. به گفته ابوالفرج، وقتی ابراهیم موصلی آوازی برای فضل خواند، او دو هزار دینار به همراه چارپایی که بر آن سوار بود به او بخشید؛ و او زمانی دیگر بر شعر عباس بن احنف آهنگی ساخت و در محضر فضل اجرا کرد و چهار هزار دینار از او جایزه گرفت.^۳ اسحاق موصلی نیز پس از ستایش فضل در یک شعر زیبا هزار دینار از او صلّه دریافت کرد.^۴

اما جعفر بن یحیی (۱۵۰-۱۸۷ق.) وزیر هارون بود که با قتل وی شوربختی برمکیان آغاز شد. فصاحت و بلاغت جعفر در گفتار و نوشتار هم پایه آوازه سخاوت برادرش فضل بوده است. گذشته از آن وی در هنرپروری نیز شهرت داشته چنانکه انعام او به اسحاق موصلی در هنگام تنگدستی زبانزد بوده است.^۵ از گفته‌های اسحاق موصلی در *الآغانی* پیداست که جعفر خود با موسیقی آشنایی داشته، فردی خوش‌آواز بوده و طبل نیکو می‌نواخته است.^۶ حتی عریب (۱۸۱-۲۷۷ق.) شاعر، آوازه‌خوان و نوازنده عود را دختر جعفر دانسته‌اند. او که متولد و بزرگ شده بغداد بود، هنگام نکبت برمکیان روزهای کودکی خود را می‌گذراند که امین و سپس مأمون او را خریدند.^۷ علاقه جعفر به موسیقی و غنا منشأ توجه او به موسیقی‌دانان معاصرش بود که شواهد بسیار آن در جای جای *الآغانی* به چشم می‌خورد. کسانی مانند

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۱۸۲.

۲ احمد بن علی بن خطیب (۱۴۱۷ ق.)، *تاریخ بغداد*، ج ۱۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۳۳۶.

۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۱۸۲.

۴ همان ج ۵، صص ۳۰۱-۳۰۲.

۵ همان، ج ۵، ص ۳۱۰.

۶ همان، ج ۵، ص ۲۷۴.

۷ همان، ج ۱۷، ص ۷۲.

اسحاق موصلی، ابن‌جامع، مخارق و دیگران در کنف حمایت او بودند. افزون بر این، آخرین ساعات زندگی جعفر نیز با موسیقی همراه بوده و ابوزکار ظنبوری، نغمه‌گر نابینا در مجلس وی آواز می‌خواند و می‌نواخت و کنیزکان از پشت پرده به ساز و آواز نشسته بودند که مسرور خادم با خشونت جعفر بن یحیی را از مجلس طرب به قتلگاه برد.^۱

محمد بن یحیی برمکی نیز از بزرگان عصر اول عباسی است که هنرمندان را گرامی می‌داشت. وقتی ابراهیم موصلی روز مهرگان در مجلس محمد بن یحیی حضور یافت، محمد تمام هدیه‌هایی را که آن روز برایش آورده بودند به ابراهیم بخشید.^۲

گذشته از برمکیان دیگر رجال دولتی نیز از پرداختن به موسیقی پرهیز نداشتند. از جمله فضل بن ربیع که با موسیقی‌دانان دوستی داشت و گاه برای شنیدن ساز و آواز اسحاق موصلی بی‌تابی می‌کرد. او نیز خود را پرورده احسان فضل می‌دانست.^۳

در عصر دوم عباسی نیز بسیاری از دولتمردان و وزیران علاقه‌مند و حامی شعر و موسیقی بودند. از جمله محمد بن فضل جرجرابی وزیر متوکل که در موسیقی متبحر بود و به این فن شهرت داشت.^۴ همچنین طاهریان هنردوست از موسیقی‌دانان حمایت می‌کردند. آغانی بارها عبدالله بن طاهر را در مجالس بزم مأمون نشان داده و گاه نیز عبدالله خود در بین نوازندگان و خوانندگان مناظره و مسابقه برگزار می‌کرده است.^۵ محمد بن عبدالله بن طاهر یکی از افراد این خاندان است که خود آهنگساز بوده و کنیزش «مونسه» برایش آواز می‌خوانده است.^۶ به همین ترتیب بسیاری دیگر از اشراف و بزرگان آن روزگار همچون علی بن هشام وزیر، فتح بن خاقان، علی بن فرات و ابن مغله در بزم‌های خویش موسیقی را نادیده نمی‌گرفتند.

ارزش و پایگاه موسیقی

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که موسیقی در میان بنی‌عباس و اشراف و بزرگان بغداد آن روز موضوعی پذیرفته شده بود و پرداختن به موسیقی، یک سرگرمی طبیعی و از اجزای

۱ مسعودی، همان، ج ۳، ص ۳۷۸؛ طبری، همان، ج ۸، ص ۲۵۹.

۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۲۴۵.

۳ همان، ج ۵، ص ۳۰۷.

۴ ابن‌طقطقی، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۵.

۵ همان، ج ۱۵، ص ۲۷۰.

۶ مسعودی، همان، ج ۳، صص ۸۷-۸۸.

زندگی آنها تلقی می‌گردید. موسیقی‌دان بودن بعضی از خلیفه‌زادگان، نوازنده و یا آهنگساز بودن برخی از خلفا مثل واثق،^۱ منتصر^۲ و معتضد،^۳ آوازخوانی عریب، دختر جعفر بن یحیی برمکی و بسیاری از این قبیل گویای اهمیت موسیقی در میان این طبقه اجتماعی است. می‌توان گفت چون هنر وسیله نمایش، تأیید، تثبیت و تبلیغ امتیازات خواص است، آنها در پرورش هنرمند سعی بسیار مبذول داشته‌اند.^۴ اما همه این‌ها دلیل بر ارزشمند بودن موسیقی و موسیقی‌دانان در جامعه بغداد نیست. چنانکه ابوفراس حمدانی شاعر شیعی در نکوهش عباسیان می‌گوید:

مِنْكُمْ عَلِيَّةٌ اَمٍ مِنْهُمْ وَكَانَ لَهْمُ
 شَيْخِ الْمَغْنَمِ اِبْرَاهِيمِ اَمْ لَهْمُ؟^۵
 عَلِيَّةٌ از شما بود یا از علویان؟
 استاد مغنیان ابراهیم از علویان بود یا عباسیان؟

و نیز در الاغانی می‌خوانیم که عَلِيَّةٌ زمانی که نماز نمی‌خواند، نغمه‌سرایی می‌کرد و در هنگام ظهر به نماز و کتاب روی می‌آورد.^۶ همچنین خلیفه مهدی، ابراهیم موصلی و ابن‌جامع را به دلیل ملازمت با پسرانش مجازات نمود^۷ و نیز همین خلیفه، ابن‌جامع را به سبب اینکه مردی قریشی است که به خنیاگری روی آورده، به شدت نکوهش کرد و طردش ساخت و به مکه تبعید نمود.^۸

او بیم داشت گرایش فرزندانش به موسیقی مایه مخالفت شدید و آشکار پیشوایان دین با عباسیان گردد؛ زیرا تا آن زمان شاعران و خنیاگران در دربار جایگاه چندانی نداشتند و خلفای پیش از او روزگار را با تظاهر به شریعت‌خواهی گذرانده بودند. در همین خصوص روایت دیگری در الاغانی آمده که این نظر را به خوبی آشکار می‌سازد. فضل‌بن‌ربیع نواده‌اش را که به موسیقی تمایل داشت سرزنش می‌کرد که پدرانت را مفتضح کردی، زیرا در طبقه خنیاکرین (خنیاگران) افتاده‌ای.^۹ افزون بر این، زندگی حرفه‌ای موسیقی‌دانان چندان هم راحت

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۳۶۰؛ جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی (۱۹۵۹ م)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السعادة، ص ۳۴۳.

۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۹، ص ۳۰۱.

۳ همان، ج ۹، ص ۴۰.

۴ امیرحسین آریانیور (۱۳۸۰)، *اجمالی از تحقیق / ج. آریانیور دربارهٔ جامعه شناسی هنر*، تهران: نشر گستره، ص ۴۹.

۵ ابن‌طقطقی، همان، ص ۲۱۵.

۶ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۱۰، ص ۱۶۳.

۷ همان، ج ۵، ص ۱۶۰.

۸ همان، ج ۶، ص ۳۰۳.

۹ همان، ج ۱۹، ص ۲۲۳.

نمود. وظایفشان سخت و خودشان همواره در معرض استنثار بودند و سختی شلاق و سیاه‌چال‌ها را تحمل می‌کردند. روشن است که خلفای هنردوست و فرزندان‌شان غنا و موسیقی را لازمه خوشگذرانی و اقتدار خود می‌دانستند؛ در عین حال از این دوگانگی به نوعی واهمه داشتند. به همین علت است که عیدالله بن عبدالله بن ظاهر که از مهارت او در نوازندگی سخن رفته است، تمایلی نداشت به عنوان موسیقی‌دان شناخته شود. از این رو آهنگ‌های ساخته خود را به کنیز آوازخوانش شاجی نسبت می‌داد.^۱ اسحاق موصلی نیز با تمام دانش و هنرش از حرفه خوانندگی و شناخته شدن به عنوان مطرب و مغنی نفرت داشت.^۲ حتی یک‌بار در عهد خلافت مأمون از خنیاگری توبه کرد و ذی و جامه خود را تغییر داد؛ اما به خواست مأمون دوباره به حرفه خویش بازگشت.^۳

به هر صورت باید دانست که این موسیقی‌دانان پدیدآورنده هنری بودند که به لحاظ قهقی مذموم و مکروه تلقی می‌شد. به گفته فارمر: «به رغم اینکه عرب از معاشرت با موسیقی‌دان لذت می‌برد و شاد می‌شد، با این حال از گذر نوعی عواطف مذهبی و شاید برای تسکین خویشتن آنها را گناهکار می‌دانست».^۴ بنابراین اگرچه پرداختن به غنا و موسیقی و اشتغال به ساز و آواز در بین این طبقه اجتماعی رواج گسترده‌ای داشت، اما در بسیاری از مواقع پسندیده تلقی نمی‌شد. شاید به این دلیل که بیشتر اوقات استفاده از موسیقی در بزم‌های اشراف از حد مجاز خارج می‌شد و به می‌گساری و مستی می‌انجامید و چنین حالتی به لحاظ شرعی و عرفی، امری مذموم و حرام به‌شمار می‌رفت.

سپاهیان

در خصوص استفاده از موسیقی در بین دسته‌های نظامی باید گفت گروه موسیقی نظامی خلیفه روزانه پنج بار در اوقات نماز، برنامه اجرا می‌کرد و این گروه موسیقی به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اقتدار حاکمیت تبدیل شده بود. در ابتدای روزگار اسلامی، موسیقی نظامی به وسیله دف و نای اجرا می‌شد. اما وقتی مسلمانان با مردم حیره و غسان آشنا شدند، به نقش

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۹، ص ۴۰.

۲ همان، ج ۵، صص ۲۶۸ و ۳۱۱.

۳ همان، ج ۵، ص ۳۷۴.

۴ هنری جرج فارمر (۱۳۶۷)، تاریخ موسیقی خاورزمین «ایران بزرگ و سرزمین‌های اسلامی»، ترجمه بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه، ص ۱۹۴.

آهنگ‌های نظامی در پدید آوردن شور جنگی پی بردند. چندی بعد موسیقی نظامی به‌عنوان یک ضرورت تلقی و به سازهایی مانند سرنا، بوق، طبل، دایره و سنج توجه شد.^۱

ندیمان

ندیمان از همدمان خلیفه و اشراف به شمار می‌آمدند و از آنان حقوق و مقرری دریافت می‌کردند. دسته‌ای دیگر از ندیمان هم جزء عوام بودند که به‌واسطه مهارت و تجربه‌شان نزد خلیفه و اشراف مقرب می‌شدند. اینها از ندیمان برتر به‌شمار می‌آمدند و در مواقع مهم مورد مشورت قرار می‌گرفتند.^۲ به‌طور مثال مأمون از رجال دولتی نزد اسحاق موصلی شکایت می‌کرد و از او مشورت می‌خواست.^۳ بر این اساس بسیاری از موسیقی‌دانان از ندیمان خلیفه محسوب می‌شدند و در سفرهای مختلف همراه وی بودند. ابراهیم موصلی همدم همیشگی هارون بود و لقب «ندیم» را داشت.^۴ همچنین ابن‌جامع، اسحاق موصلی، یحیی‌بن‌مرزوق مکی، مخارق، علویه، عمرو بن‌غزال، برصوما، بنان بن‌عمر و... از ندیمان موسیقی‌دان این عصر بودند.^۵

کنیزان

جواریه یا کنیزان «جاریه» زنان و دخترانی بودند که در جنگ‌ها به‌دست مسلمانان اسیر می‌شدند و اگر آنان هنری می‌دانستند خواهان بیشتری داشتند. اگر بزرگی دوستدار موسیقی بود، کنیز نوازنده و خواننده به او هدیه می‌دادند. گاهی نیز چندین کنیز که هر کدام هنری مخصوص داشت را یک‌جا هدیه می‌نمودند.^۶

بدین ترتیب، در کاخ‌های بزرگان عباسی علاوه بر مردان، زنان موسیقی‌دان هم می‌زیستند و داشتن کنیزکان رامشگر از تجملات معمول در نزد اعیان آن عصر بود. به همین ترتیب تربیت خواننده و نوازنده نیز در جامعه بغداد رواج گسترده داشت.^۷ چنانکه ابراهیم موصلی هنرستانی داشت که در آن به کنیزان، آوازخوانی و عودنوازی تعلیم می‌داد و اشراف بغداد

۱ فارمر، همان، ص ۲۸۶.

۲ جرجی زیدان، همان، ص ۸۸۴.

۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۳۴۷.

۴ همان، ج ۵، ص ۲۵۳؛ شمس‌الدین احمد بن محمد بن خلکان (۱۹۶۸ م)، *وقیات الاعیان*، ج ۱، بیروت: دارالصادر، ص ۴۲.

۵ احمد بن محمد بن عبدربه (۱۴۰۴ ق)، *العقد الفرید*، ج ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۳۴.

۶ مسعودی، همان، ج ۴، ص ۴۲؛ جرجی زیدان، همان، ص ۸۸۹.

۷ حسن مشحون (۱۳۷۳)، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران: انتشارات سیمرغ، ص ۱۱۶.

دختران و کنیزان خود را برای آموزش موسیقی نزد او می‌فرستادند. حتی زمانی تعداد کنیزانی که برای تعلیم به او سپردند به ۸۰ تن رسید.^۱ علاوه بر این ابراهیم، کنیزان را می‌خرد و با آموختن هنر به ایشان، آنان را به قیمت گران به خلیفه و سایر متمکنین می‌فروخت. چنانکه موارد مختلف آن در *الآغانی* به چشم می‌خورد.^۲ اما بهای کنیز کانی که کمال و جمال داشتند (خوانندگان و نوازندگان)، از دیگران بیشتر بود. مثلاً ابراهیم بن مهدی برای خرید کنیزی موسیقی‌دان هم‌وزن وی پول پرداخت کرد.^۳ به عقیده روح‌الله خالقی پس از تعلیم موسیقی به چند دختر زیبارو، و جاهت منظر، سبب اهمیت بیشتر این خوانندگان شد.^۴

از حضور زنان خواننده در مجالس بزم امین (۱۹۳-۱۹۸ ق.) داستان‌های بسیاری گفته شده است. مثلاً اینکه یکصد دختر خواننده در برابر این خلیفه به اجرای موسیقی پرداختند.^۵ در بسیاری از کتاب‌ها، ضمن شرح حال ابراهیم موصلی و بیان هوش و دقت موسیقایی او، از گروه بیست یا سی نفره ارکستر موصلی تعریف کرده‌اند که ارکستری زنانه بوده و ۳۰ دختر عودنواز به اجرا مشغول می‌شده‌اند.^۶ نادره بدیعی، پژوهشگر موسیقی، این ارکستر ۳۰ نفره را یک گروه کر یا همسرایان بی‌نظیر می‌داند و به عقیده او اگرچه این گونه همخوانی در ایران بی‌سابقه نبوده و سروده‌های مذهبی در آتشکده‌ها اجرا می‌شده است، اما اهمیت گروه کر موصلی در زن بودن همه اعضاست که در نوع خود تا آن زمان بی‌سابقه بوده است.^۷

در کتاب *آغانی* و کتب ادبی و تاریخی دیگر نام بسیاری از زنان موسیقی‌دان آمده که در کاخ‌های خلفا و اشراف بغداد خدمت می‌کردند که به نام برخی از آنان اشاره می‌شود. دوشار همسر ابراهیم موصلی، نوازنده دف و آوازخوان،^۸ عاتکه استاد آواز اسحاق موصلی،^۹ بَدَل از کارآمدترین موسیقی‌دانان دربار امین و مأمون و نویسنده کتابی به نام *الآغانی*،^{۱۰} دنائیر

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، صص ۱۶۴ و ۱۷۰.

۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، صص ۱۶۳ و ۱۷۰، ج ۸، ص ۲۹۳، ج ۱۳، ص ۳۴۷، ج ۱۴، ص ۲۱۱.

۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۱۶، ص ۴.

۴ روح‌الله خالقی (۱۳۸۵)، *نظری به موسیقی ایرانی*، تهران: مؤسسه فرهنگی رهروان پویا، ص ۳۳.

۵ طبری، همان، ج ۸، ص ۵۱۲.

۶ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۲۴۳؛ جرج فارمر، همان، ص ۲۲۲؛ نادره بدیعی (۱۳۵۴)، *تاریخچه ادبیات آهنگین*

ایران، تهران: انتشارات روشنفکر، ص ۵۱.

۷ همان‌جا

۸ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۵، ص ۲۷۱؛ نادره بدیعی، همان، ص ۵۰.

۹ همان، ج ۵، ص ۲۷۲.

۱۰ همان، ج ۷، ص ۲۱۵.

موسیقی دان و نویسنده کتاب *مجرد الاغانی*^۱، شکله مادر ابراهیم بن مهدی^۲، عرب شاعر و عودنواز زبردست دربار امین و مأمون، شاربه خواننده،^۳ قلم الصالحیه خواننده و نوازنده،^۴ ذات الخال خواننده،^۵ محبوبه، عالم، شاعر، آهنگساز و عودنواز دربار متوکل^۶ و مونسه کنیز موسیقی دان محمد بن عبدالله بن ظاهر.^۷

با این همه، آیا حضور این زنان در دربار بیانگر جایگاه اجتماعی برجسته آنهاست؟ در پاسخ باید گفت اگرچه این خوانندگان در دستگاه خلافت به طور گسترده حضور داشتند و در زمان های مختلف به هنرنمایی می پرداختند، اما این هنر هیچ گاه جایگاه اجتماعی آنان را تغییر نمی داد و موجب نمی شد به واسطه هنر خود در طبقه بالاتری قرار بگیرند. به نظر می رسد این کنیزان ابزاری برای خوشگذرانی خلفا و درباریان بودند و تنها در مجامع عیش و طرب، دانش و هنر آنها معنا می یافت. به عبارت دیگر، موقعیت اجتماعی کنیزان خواننده حتی به عنوان افراد آزاد هم پایین تر از دیگران بود. آنها پیوسته به عنوان عوامل همراهی کننده به موسیقی دانان درجه اول وابسته بودند. در آن عصر، تاجران برده با خرید این دختران و آموزش موسیقی به آنها با قیمتی بالاتر آنان را می فروختند. در بیشتر این موارد مهارت موسیقی، امتیازی بود که بردگان می توانستند آزادی خود را از آن طریق به دست آورند. همچنین داشتن کنیز هنرمند برای خلفا و اشراف بغداد نوعی ضرورت و امتیاز محسوب می شد و پایگاه بلند اجتماعی آنها را تعیین می کرد. زیرا خواص تمایل دارند در همه چیز اعم از پوشش، رفتار، زبان و ذوق، ممتاز و از مردم عادی متمایز باشند و بدین وسیله نشان دهند که اولاً برخلاف بیشتر مردم، به فعالیت های تفننی می پردازند و ثانیاً صاحب ثروت و قدرت هستند و عمر به ناز و نعمت می گذرانند.^۸

طبقه عامه

این گروه از نظر تعداد بیش از طبقه خاصه و متنوع تر از آن بودند. آنان از نژادها و ملیت های

۱ توکا ملکی (۱۳۸۰)، *زنان موسیقی ایران*، تهران: انتشارات کتاب خورشید، ص ۹۳.

۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج ۱۰، ص ۹۵؛ ابن خلکان، همان، ج ۱، ص ۳۹.

۳ همان، ج ۹، ص ۴۰.

۴ همان، ج ۱۳، ص ۳۴۷.

۵ همان، ج ۱۶، ص ۳۱۵.

۶ مسعودی، همان، ج ۴، صص ۴۲.

۷ همان، ج ۴، صص ۸۷-۸۸.

۸ امیرحسین آریانپور، همان، ص ۱۳۵.

مختلف در بغداد آن روز گردهم آمده، در فعالیت‌های علمی، هنری، ادبی، تجاری و... شرکت داشتند.^۱ البته ارائه شرح حال همه آنها در اینجا دشوار و شاید ناممکن است. اما همین قدر می‌دانیم که عرب‌ها، هنرهای زیبا را آداب رفیعه می‌نامیدند^۲ و آن را به سه بخش نقاشی، شعر و موسیقی تقسیم کرده بودند که از میان آنها شعر و موسیقی در بین خاص و عام رونق یافت و همان گونه که گفته شد، شاعران و موسیقی‌دانان به پیشگاه بزرگان عصر عباسی تقرب می‌جستند.

از لابه‌لای منابع تاریخی و ادبی می‌توان پی برد که موسیقی تا چه اندازه در بطن جامعه و در بین مردم بغداد رواج داشته است. وجود رود دجله در بغداد، از آن شهری رؤیایی ساخته بود که مناسب تغنی و تغزل بود. دسته‌های خوانندگان و نوازندگان در کنار دجله نوای ساز را با آوای رود درهم می‌آمیختند و مردم نیز در این شور و نشاط آهنگین با ایشان همراهی می‌کردند. بنابراین در اینجا نیز طبیعت الهام‌بخش ذوق و احساس هنرجویان و هنرمندان بود. علاوه بر فضای مهیج، ثروت، رفاه مادی، تجمل‌گرایی و علاقه ذاتی قشرهای مختلف مردم بغداد را به سوی هنرهای زیبا به‌ویژه موسیقی سوق می‌داد. به‌طور کلی گرایش به موسیقی در بین عامه مردم بیشتر جنبه تفریحی و سرگرمی مثبت داشت. چراکه ساخته‌های هنری عوام همواره ساده و بی‌پیرایه‌اند و از زندگی روزمره مردم جامعه نشئت می‌گیرند. هنر عوام از صفای طبیعی و شور انسانی سرشار است. در افسانه‌ها و ترانه‌های عامیانه، هرچه برای زندگی سودمند باشد از طراوت و رنگارنگی حیات‌بخش گیاهان تا شادابی و تندرستی انسان، زیبا به‌شمار می‌رود.^۳ مسعودی درباره کاربرد موسیقی در بین مردم می‌نویسد: «رسم ملوک عجم بود که با آهنگ موسیقی می‌خفتند تا طرب در جانشان روان شود. زن عرب کودک خود را هنگام گریستن نمی‌خواباند که بیم دارد غم در تن او رخنه کند و در جانش راه یابد؛ بلکه با او بازی می‌کند و برایش لالایی می‌خواند و او را می‌خنداند تا اینکه شادمان بخواب رود و جسمش رشد کند و خونس صاف شود و عقلش روشن گردد. کودک از موسیقی لذت می‌برد و گریه‌اش را به خنده تبدیل می‌کند».^۴ به گفته صالح المهدی نویسنده معاصر تونسی، ادبیات عرب مملو از شواهدی است که نشان می‌دهد موسیقی در نزد اعراب در زمان‌های پیش جایگاهی ویژه داشته است. تجار در کاروان‌های تجاری، صنعتگران و کارگران به‌هنگام کار،

۱ جرجی زیدان، همان، ص ۸۹۱.

۲ همان، ص ۸۹۴.

۳ امیرحسین آریانپور، همان، ص ۱۱۸.

۴ مسعودی (۱۴۰۹ ق)، همان، ج ۴، ص ۱۳۴.

ماهگیران در زمان صید، کشاورزان به‌هنگام کاشت و برداشت محصول و قصه‌گویان به‌هنگام نقل حکایت از موسیقی بهره می‌گرفتند.^۱

اگرچه نوای موسیقی در کاخ‌های خلفا و خانه‌های اشراف نمود بیشتری داشته و موسیقی‌دانان برای کسب شهرت و بر خورداری از زندگی مرفه جذب دستگاه آنها شده‌اند، اما تأثیر این هنر در بین عوام نیز ملموس بود. چنان‌که مسعودی از ابراهیم بن مهدی داستانی نقل کرده که علاقه‌مندی گروهی از بزازان بغداد را به موسیقی نشان می‌دهد. بر طبق این داستان، روزی ابراهیم بن مهدی به‌طور ناشناس به منزل خیاطی وارد می‌شود که برای دوستانش مهمانی باشکوهی برپا کرده بود. در این مجلس پس از صرف غذا، کنیزکی ماهرانه عود می‌نوازد و می‌خواند و مجلس را گرم می‌کند. و بعد از او ابراهیم نیز با نواختن عود و خواندن آوازهای زیبا همه حاضران را به وجد می‌آورد. مهارت ابراهیم در نوازندگی شگفتی حضار را بر می‌انگیزد و هنگامی که او خود را معرفی می‌کند، آنها خرسند از دیدار این استاد موسیقی و شاهزاده هنرمند از او قدردانی می‌کنند.^۲ همین نویسنده، حکایت دیگری درباره دلبستگی مردم به موسیقی آورده است که بر اساس آن، یک حجامتگر ساکن بغداد چنان شیفته نوای موسیقی است که برای استماع چند قطعه ساز و آواز از ابراهیم بن مهدی از جایزه ۱۰۰ هزار درهمی مأمون برای تحویل ابراهیم به حکومت چشم‌پوشی می‌کند.^۳

حکایت دیگری که مسعودی با واسطه از قول جاحظ نقل کرده به‌خوبی رواج موسیقی را در جامعه آن روزگار بغداد به تصویر می‌کشد. بر اساس آن، دو تن از نوازندگان سه‌تار و عود در کشتی عازم بغداد در حضور جاحظ و محمد بن ابراهیم به زیبایی می‌نوازند و می‌خوانند.^۴ همراه داشتن ساز سه‌تار و عود در هنگام سفر و اجرای موسیقی در کشتی بیانگر اهمیت غنا و موسیقی در بین مردم آن زمان است. چنانکه امروز نیز در سفرها موسیقی، البته نه اجرای زنده، مسافران را همراهی می‌کند.

در نهایت برای پی بردن به گرایش‌های ذوقی و هنری جامعه بغداد در این زمان باید گفته‌های ابن خردادبه را در پیشگاه معتمد مطالعه کرد. او می‌گوید: «موسیقی ذهن را لطیف، اخلاق را ملایم، جان را شاد، قلب را دلیر و بخیل را بخشنده می‌کند؛ و نشاط می‌آورد و غم

۱ صالح المهدی، همان، صص ۲۳۹.

۲ مسعودی، همان، صص ۴۲۳-۴۲۵.

۳ همان، ج ۳، ص ۴۴۵.

۴ همان، ج ۴، ص ۱۷.

می‌زداید. وقتی غمگین هستی، جز از شراب و نغمه ساز بهره مگیر. آفرین بر خردمندی که موسیقی را پدید آورد. چه رازی را نمودار کرده و چه هنری را به وجود آورده و سوی چه فضیلتی راهبر شده است! به راستی که یگانه روزگار خود بوده است. هر کس شامه‌اش معیوب باشد، عطر را ناخوش دارد؛ و هر که ذوقش خشن باشد، از شنیدن موسیقی بیزار باشد و از آن دوری نماید و آن را عیب گوید و مذمت کند.^۱

نتیجه گیری

موسیقی در بغداد عصر عباسی هنری تأثیرگذار بود که گروه‌های مختلف اجتماعی آن را عضو لاینفک زندگی خود می‌دانستند. در بین خواص موسیقی نقش برجسته‌تری داشت، چرا که بیانگر پایگاه اجتماعی، تمایز و تشخیص آنان بود و خواص با استخدام نوازندگان و خوانندگان خوش‌آواز، همدوستی، شکوه و اقتدار خود را نشان می‌دادند و پایگاه مهم اجتماعی و تفاوت‌شان را با دیگر گروه‌ها به رخ می‌کشیدند. طبقه خاصه که شامل خلیفه، خاندان خلیفه، رجال دولتی و وابستگان طبقه بالا می‌شد با حمایت از هنرمندان در پیشرفت این هنر نقش مؤثری ایفا کردند. خلفایی مانند هارون، مأمون، امین، واثق، متوکل و معتضد و دولت‌مردانی همچون برمکیان و طاهریان در شکوفایی موسیقی و پرورش موسیقی‌دانان بزرگ کوشیدند. دلیل دیگر اهمیت موسیقی پرداختن فرزندان خلفا به این هنر بود. ابراهیم بن مهدی نمونه برجسته این بزرگان است که در موسیقی استادی ماهر به شمار می‌رفت. اینان با برگزاری مجالس طرب و جذب موسیقی‌دانان دیگر موجب ترویج این هنر در جامعه می‌شدند.

موسیقی در بین عموم مردم بغداد نیز جایگاه پراهمیتی داشت، چرا که اقشار مختلف به ساز و آواز علاقه‌مند بودند و یا در تحصیل این هنر کوشش می‌کردند. به گواهی منابع گروه‌های مختلف ساکن در بغداد عصر عباسی در زندگی روزانه خود موسیقی را به کار می‌گرفتند.

اما به دلیل نقل برخی روایات مبنی بر تحریم شرعی موسیقی، پرداختن به این هنر در بسیاری از مواقع حرام یا مکروه و مذموم تلقی می‌شد و اجتماع اسلامی بغداد آن را به‌عنوان هنری ارزشمند نپذیرفته بود. توبه اسحاق موصلی از غنا و نفرت او از معنی بودن و مجازات ابراهیم موصلی و ابن‌جامع به خاطر ملازمت با فرزندان خلیفه بیانگر همین دیدگاه است.

بنابراین نمی‌توان رواج گسترده موسیقی را در جامعه بغداد نشانه مقبولیت و ارجمندی این هنر دانست؛ بلکه هنر موسیقی بیشتر به‌عنوان آلتی تفریحی و ابزاری تبلیغی در نزد گروه‌های اجتماعی به‌ویژه خواص مطرح بوده است.

منابع و مأخذ

- آریانبور، امیرحسین (۱۳۸۰)، *اجمالی از تحقیق اح. آریانبور درباره جامعه‌شناسی هنر*، تهران: نشر گستره.
- ابن خطیب، احمدبن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن خلدون (۱۳۷۵)، *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمدبن محمد (۱۹۶۸)، *وفیات الاعیان*، بیروت: دار الصادر.
- ابن عبد ربّه، احمدبن محمد (۱۴۰۴ق)، *العقد الفرید*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن عبری، غریغوریوس بن اهرن (۱۹۹۲)، *تاریخ مختصر الدول*، تحقیق آنتون صالحانی یاسوی، بیروت: دارالشرق.
- ابن طقطقی، محمدبن علی بن طباطبا (۱۹۹۷)، *الفخری فی آداب السلطانیة ودول الاسلامیة*، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دارالقلم العربیة.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۹۶۳)، *الاغانی*، قاهره: دار الکتب.
- ایرانی، اکبر (۱۳۸۶)، *حال دوران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- المهدي، صالح (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «سنت موسیقی عرب»، ترجمه فریبا سلامت‌نیا، آینه میراث، ش ۳۶ و ۳۷.
- بدیعی، نادره (۱۳۵۴)، *تاریخچه ادبیات آهنگین ایران*، تهران: انتشارات روشنفکر.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۷)، *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*، تهران: انتشارات جامی.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۱۴)، *التاج فی اخلاق الملوک*، تحقیق احمد زکی باشا، قاهره: المطبعة الامیریة.
- خالقی، روح‌الله (۱۳۸۵)، *نظری به موسیقی ایرانی*، تهران: مؤسسه فرهنگی رهروان پوش.
- دنیس الک، رابرتسون استیونس (۱۳۶۹)، *تاریخ جامع موسیقی*، ترجمه بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۶)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان بن ابی‌بکر (۱۹۵۹)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السعادة.
- ضیف، شوقی [بی‌تا]، *العصر العباسی الاول*، قاهره: دارالمعارف.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۸ق)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- فارمر، هنری جرج (۱۳۶۷)، *تاریخ موسیقی خاورزمین «ایران بزرگ و سرزمین‌های اسلامی»*، ترجمه

بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه.

- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ ق)، *مروج الذهب و المعادن الجواهر*، تحقیق اسعد الداغر، قم: دارالهجره.
- مشحون، حسن (۱۳۷۳)، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران: انتشارات سیمرغ.
- مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسی*، ترجمه محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت.
- ملکی، نوکا (۱۳۸۰)، *زنان موسیقی ایران*، تهران: انتشارات کتاب خورشید.
- حموی، ابن عبدالله یاقوت (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دار الصادر.
- Kins, Jean ,and Rovsing Olson, Paul (1976), *Music and musical of instrument in the world of Islam*, Horniman Museum London World of Islam Festival Publishing Company Ltd.

